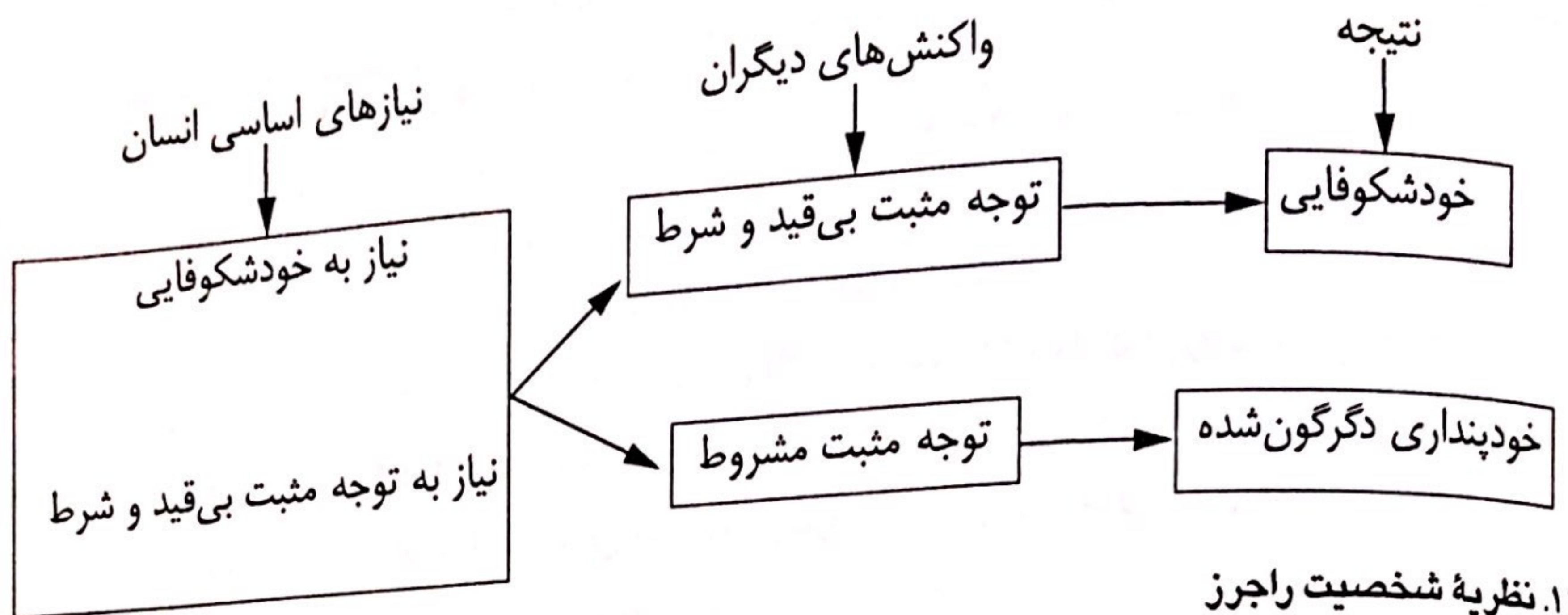




شکل ۱۱-۷. نظریه شخصیت راجرز

می‌گردد. به طور خلاصه، پختگی، یعنی، تحقق الگوهای رفتاری برنامه ریزی شده به وسیله ژنتیک.
- سازگار شدن در اثر یادگیری به وجود می‌آید.

الف) رشد جسمانی

رشد جسمانی، شامل، تغییراتی در قد، وزن، استخوان‌ها، عضلات و سایر اعضای بدن می‌باشد. رشد جسمانی بعد از تشکیل سلول تخم شروع می‌شود. سلول تخم یک فرآیند تقسیم سلولی سریعی را آغاز می‌کند و تمام اندام‌ها و اعضای بدن را تشکیل می‌دهد. در درون هسته سلول تخم، کروموزوم‌ها و ژن‌ها قرار دارند که حاوی اطلاعات مهمی از والدین هستند. تغییرات جسمانی تا دوران سالمندی ادامه دارد. بلوغ بارزترین تغییر جسمانی دوران نوجوانی و یائسگی، بارزترین تغییر جسمانی دوران میان‌سالی در زنان است.

ب) رشد روانی - اجتماعی

رشد روانی - اجتماعی، دگرگونی‌های مربوط به شخصیت، هیجان‌ها و روابط با دیگران را دربر می‌گیرد. برای رشد روانی - اجتماعی، نظریه اریکسون^۵ را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

اریکسون (۱۹۰۲-۱۹۹۴)، مراحل رشد روانی - جنسی فروید را گسترش داد و بر ایگو بیشتر از نهاد تأکید نمود. هم چنین، تأثیر فرهنگ، جامعه و تاریخ بر شخصیت را بیشتر

ظاهر جسمانی که هر کدام خصوصیات شخصیتی خاصی دارند، به سه گروه تقسیم کرد:

۱- **فربه‌تنان**^۱: از نظر جسمانی قدی متوسط، شکمی بزرگ و گردنی کوتاه دارند و چاق هستند. این افراد، از نظر خصوصیات روانی - اجتماعی، افرادی خوش‌برخورد، خوش‌خوراک، خوش‌گذران، اجتماعی و خون‌گرم و از نظر عاطفی بی‌ثبات هستند.

۲- **لاغر‌تنان**^۲: لاغر‌تنان، افرادی لاغر و قد بلند بوده و اندامی باریک دارند. از نظر روانی، درون‌گرا، گوشه‌گیر، خیال‌باف، در خود فرو رفته و اهل منطق هستند. این افراد بسیار حساس و زودرنج بوده و از ناملايمات شکایت می‌کنند.

۳- **سنگ پهلوانی**^۳: از نظر جسمانی، دارای استخوان‌بندی محکم، عضلاتی نیرومند و قوی، سینه‌ای پهن، قامتی بلند و اندامی ورزیده هستند. از نظر روانی، علاقه زیادی به فعالیت‌های بدنی دارند و رقابت‌طلب، پرخاشگر و حادثه‌جو هستند.

رشد شخصیت

رشد شخصیت، فرآیند پیچیده‌ای است که تغییرات جسمانی، روانی - اجتماعی و شناختی، در سراسر عمر را دربر می‌گیرد. این تغییرات در نهایت منجر به بزرگ شدن، پخته شدن^۴ و سازگار شدن فرد می‌گردد.

- بزرگ شدن یکی از ویژگی‌های آشکار رشد جسمی است که با افزایش قد و وزن مشخص می‌گردد.

- پختگی به تحقق کم و بیش خودکار توانایی‌های بالقوه زیستی، طبق یک نظم تعیین شده و برگشت ناپذیر، اطلاق

1- Pyknic
3- Athletic
5- E.Erikson

2- Asthenic
4- Maturation

جدول ۱۱-۸. خلاصه نظریه‌های شخصیت

نظریه	ارائه‌کننده	تعیین‌کننده‌های شخصیت
روان‌کاوی	فروید	شخصیت را به سه بخش نهاد، من و من برتر تقسیم کرد. نهاد تابع اصل لذت است، من از اصل واقعیت پیروی می‌کند و من برتر تابع اصول اخلاقی است.
	آدلر	حس برتری‌طلبی اساس شکل‌گیری شخصیت است.
	یونگ	ناخودآگاه جمعی شامل کهن الگوها است که اساس شخصیت انسان را تشکیل می‌دهد.
صفت	هورنای	انگیزه وجودی انسان، نیاز به امنیت است.
	آلپورت	برای انسان‌ها سه نوع صفت معرفی نمود: صفت‌های اصلی، مرکزی و ثانوی
	کتل	۱۶ صفت اصلی را شناسایی نمود.
	آیزنک	انسان‌ها را برحسب درون‌گرایی - برون‌گرایی، ثبات - بی‌ثبات و بهنجاری - روان‌پریشی تقسیم کرد.
انسان‌گرایی	راجرز	شخصیت نتیجه تجربه ذهنی فرد از واقعیت است. عنصر مهم شخصیت مفهوم خود یا خویشتن است.
	مازلو	عنصر مهم شخصیت، خودشکوفایی است.
رفتارگرایی	واتسون و اسکینر	شخصیت از تعامل با محیط رشد می‌کند.
سنخ شناختی	کرچمر	افراد را بر اساس ظاهر جسمانی به سه گروه فربه‌تنان، لاغرتنان و سنخ پهلوانی تقسیم کرد.

می‌بیند و مردم را قابل اعتماد می‌پندارد. این احساس در دوران شیرخوارگی پدید می‌آید و به چگونگی و میزان مراقبت و توجه مادر به کودک بستگی دارد. اگر رفتار مادر غیرقابل اعتماد، ناکافی و طردکننده باشد، در کودک عدم اعتماد شکل می‌گیرد که پایه ترس، سوء ظن و اضطراب است.

خودمختاری در مقابل شرم و تردید (از ۲ تا ۳ سالگی)

به تدریج کودک در جهت استقلال پیدا کردن رشد می‌کند. او از مهارت‌های جدید حرکتی خود، مانند راه رفتن و غذا خوردن لذت می‌برد و از همه می‌خواهد که او را بگذارند تا خودش کارهایش را انجام دهد. اگر والدین، شکیبایی و همکاری نشان دهند؛ کودک احساس خودمختاری و شایستگی می‌کند. در حالی که مراقبت بیش از حد و آزاد نگذاشتن کودک، توسط والدین، او را نسبت به استعداد و شایستگی خود مشکوک می‌کند که نتیجه آن، احساس شرم و تردید است.

ابتکار در مقابل احساس گناه (از ۴ تا ۵ سالگی)

کودک در این مرحله کنجکاوی می‌کند، دست به اعمال تازه می‌زند و به ابداع می‌پردازد. به این ترتیب، توانایی‌های ذهنی و حرکتی کودک گسترش می‌یابد. اگر والدین، مانع این گونه

مورد توجه قرار داد. اریکسون برای رشد شخصیت هشت مرحله متوالی که سراسر گستره زندگی را در بر می‌گیرد، در نظر گرفت. در هر مرحله فرد باید با بحران‌هایی به طور سازگارانه یا ناسازگارانه کنار آید. به نظر اریکسون، شکل‌گیری عناصر مختلف شخصیت، به این بستگی دارد که فرد در هر یک از مراحل رشد، با بحران‌ها، چگونه برخورد می‌کند. بحران‌های هر مرحله، جنبه‌های مثبت و منفی دارند و قسمتی از روند طبیعی رشد محسوب می‌شوند. اعتماد، خودمختاری، ابتکار، کارایی، کسب هویت، صمیمیت، زاینده‌گی و احساس کمال، جنبه‌های مثبت هستند و بی‌اعتمادی، شرم و تردید، احساس گناه، احساس خودکم‌بینی، سردرگمی نقش، تنهایی، بی‌حاصلی و احساس یأس و ناامیدی، جنبه‌های منفی هستند. اریکسون، نظریه خود را اصل اپی ژنتیک رشد^۱، نامید. منظور او از این اصل، آن است که مراحل رشد به وسیله عوامل ارثی یا ژنتیک تعیین می‌شوند و بر اساس عوامل محیطی یا اجتماعی تحقق پیدا می‌کنند. مراحل رشد روانی - اجتماعی اریکسون عبارتند از:

اعتماد در مقابل عدم اعتماد (از تولد تا یک سالگی)

اریکسون معتقد بود که زیربنای شخصیت سالم را احساس اعتماد کلی می‌سازد. کودکی که احساس اطمینان درونی و عمیق داشته باشد، دنیا را مکانی امن و باثبات

1- Epigenetic Principle of Maturation



بحران هویت را به خوبی حل کرده است، برقراری روابط جنسی صمیمانه، دوستی و هر نوع رابطه عمیق، هراسان کننده نیست. اما، کسی که در حالت سردرگمی هویت به این دوران پا گذاشته است، از درگیری با روابط عمیق و پایا ناتوان است.

افرادی که نمی‌توانند، چنین رابطه صمیمی را برقرار نمایند، در یک حالت انزوا به سر خواهند برد؛ یعنی، از ارتباط‌های نزدیک با دیگران، اجتناب کرده یا حتی طرد می‌شوند. این افراد، ترجیح می‌دهند که تنها باشند. زیرا، از نزدیکی و صمیمیت واهمه دارند.

زاینده‌گی در مقابل بی‌حاصلی (از ۴۰ سالگی تا ۶۵ سالگی): به اعتقاد اریکسون، افراد در این مرحله به چیزی بیش از صمیمیت در رابطه با دیگران نیاز دارند. افراد باید به طور فعال و مستقیم به آموزش و راهنمایی نسل آینده مشغول شوند. حتماً هم لازم نیست که فرد صاحب فرزند باشد و نیز صاحب فرزند بودن نیز دلیلی بر ارضای این نیاز نیست. فرد این نیاز را می‌تواند، با عضویت در سازمان‌ها و نهادهای، برآورده کند. اگر چنین رفتاری از فرد سر نزنند، او با احساس رکود و خستگی مواجه خواهد شد.

کمال در مقابل یأس و ناامیدی (بالای ۶۵ سال): کسانی که با یک احساس خرسندی و رضایت به گذشته خود می‌نگرند، احساس کمال می‌کنند. این دوره برای این‌ها، دوره رضایت‌بخشی است. از طرف دیگر کسانی که با یک احساس ناکامی، کینه و خشم حاصل از فرصت‌های از دست رفته و افسوس از اشتباه‌هایی که دیگر قابل اصلاح نیستند، به زندگی نگاه کنند، در یک حالت نومیدی به سر خواهند برد. مردم‌گریزها و کسانی که به دیگران تکبر می‌فروشند، در دام یأس گرفتار هستند.

ج) رشد شناختی

رشد شناختی به تغییراتی در حوزه فعالیت‌های ذهنی مربوط می‌شود؛ مانند: ادراک، حافظه، تفکر و تکلم. در زمینه رشد شناختی کودکان، هیچ نامی بیشتر از نام ژان پیاژه آشنا نیست. پیاژه، نظریه جامعی در مورد رشد شناختی بیان نمود که در آن چگونگی تفکر و کسب معلومات را در کودکان شرح داده است.

فعالیت‌های کودک شوند و او را به خاطر انجام این کارها تنبیه کنند، کودک احساس خواهد کرد که این کارها بد هستند. لذا، احساس گناه خواهد کرد. این احساس گناه پایدار خواهد ماند و تمام فعالیت‌های خودانگیخته او را در طول زندگی، تحت تأثیر قرار خواهد داد.

کارایی در مقابل احساس خودکم‌بینی (از ۶ تا ۱۱ سالگی):

توانایی کار و کسب مهارت‌های بزرگسالان، زمینه اساسی این مرحله را تشکیل می‌دهد. کودک یاد می‌گیرد که قادر است، چیزهایی بسازد و مهم‌تر از آن در انجام دادن کار تسلط پیدا کرده و آن را تکمیل نماید. اگر کارهای او تأیید شود، احساس شایستگی می‌کند. اما، اگر اعمال او به چشم نیاید، احساس حقارت و خودکم‌بینی می‌کند. والدین و معلمانی که به کودک پاداش می‌دهند و آفرین می‌گویند، موجب رشد توانایی‌های او می‌شوند و کسانی که تلاش‌های کودک را به مسخره می‌گیرند یا به حساب نمی‌آورند، به احساس خودکم‌بینی او دامن می‌زنند.

احساس هویت در مقابل سردرگمی نقش (از ۱۲ تا ۲۰ سالگی):

ویژگی این مرحله، جست و جوی خویشتن است که آگاهی از احساس هویت یا سردرگمی را به همراه می‌آورد. هویت، عبارت است از این که شخص بداند کی هست و مقصدش کجا است. نوجوان در تلاش کشف هویت خود است و با سؤالاتی روبه‌رو می‌شود؛ نظیر "من چه کسی هستم؟"، "نقش من در اجتماع چیست؟". او باید به این سؤالات پاسخ دهد.

افرادی که با احساس هویت قوی از این مرحله عبور می‌کنند، با اطمینان به خود و اعتماد به نفس با دوران بزرگسالی روبه‌رو می‌شوند. در مقابل، کسانی که نتوانند به یک هویت منسجم دست یابند، دچار بحران هویت خواهند شد که اریکسون آن را سردرگمی نقش نامید. آن‌ها نمی‌دانند که کیستند و به کجا تعلق دارند. در نتیجه ممکن است از مسیر طبیعی زندگی، کناره‌گیری کنند. چنین افرادی ممکن است به فردی بزه‌کار یا گوشه‌گیر تبدیل شوند.

صمیمیت در مقابل انزوا (از ۲۰ تا ۴۰ سالگی):

اریکسون معتقد بود که تعارض روانی - اجتماعی مهمی ممکن است در این دوره ظاهر شود و مثل مراحل قبلی، موفقیت یا شکست در آن بستگی به این دارد که زمینه در دوره‌های قبل چه قدر خوب آماده شده است. برای فردی که

جدول ۹-۱۱. مراحل رشد روانی - اجتماعی اریکسون

مرحله	سن تقریبی	توصیف
اعتماد در مقابل عدم اعتماد	تولد تا یک سالگی	مراقبت مادر، در نوزاد احساس اعتماد به جهان ایجاد می‌کند و عدم مراقبت و توجه، عدم اعتماد را به وجود می‌آورد.
خودمختاری در مقابل شرم و تردید	۲ تا ۳ سالگی	کودکان در جهت کسب استقلال و شایستگی رشد می‌کنند. شرم و تردید در توانایی‌های خود حاصل مراقبت بیش از حد توسط والدین است.
ابتکار در مقابل احساس گناه	۴ تا ۵ سالگی	کودکان نیاز دارند به فعالیت‌های ابتکاری بپردازند تا احساس گناه نکنند.
کارآیی در مقابل احساس خودکم‌بینی	۶ تا ۱۱ سالگی	کودکان مشتاق یادگیری هستند و به کسب دانش و مهارت‌های ذهنی می‌پردازند. در غیر این صورت احساس خودکم‌بینی خواهند کرد.
احساس هویت در مقابل سردرگمی نقش	۱۲ تا ۲۰ سالگی	نوجوانان در تلاش جهت کسب هویت خود هستند تا احساس سردرگمی نکنند.
صمیمیت در مقابل انزوا	۲۰ تا ۴۰ سالگی	توانایی برقراری روابط صمیمانه یا احساس تنهایی
زاینده‌گی در مقابل بی‌حاصلی	۴۰ تا ۶۵ سالگی	علاقه‌مند به راهنمایی نسل آینده یا خودمدار بودن
کمال در مقابل یأس	۶۵ سالگی به بعد	سالمند احساس می‌کند که زندگی رضایت‌بخشی داشته است، لذا، احساس کمال می‌کند یا به خاطر زندگی بیهوده گذشته، ناامید و سرخورده می‌شود.

از زیر پتو بیرون می‌آورد.

۲ - دوره پیش‌عملیاتی^۳ (سنین ۲ تا ۷ سالگی):

کودک توانایی تکلم را پیدا کرده است. کلمه‌ها به عنوان سمبل‌ها یا نمادها می‌توانند، مظهر اشیاء یا گروهی از اشیاء باشند؛ مثلاً، وقتی کودک کلمهٔ توپ را یاد گرفت، می‌تواند، سایر اشیای گرد را، با کمی تناسب، در ذهن خود مجسم کند و بین آن‌ها پیوند برقرار کند. تفکر سمبلیک، از ویژگی‌های این دوره است. بدین معنا که کودک دنیای بیرونی را به کمک سمبل‌ها مجسم می‌کند؛ مثلاً چوبی را به عنوان اسب یا در قوطی را به عنوان بشقاب در نظر می‌گیرد. سایر ویژگی‌های این دوره، عبارتند از: (۱) تفکر خودمحوری^۴، یعنی کودک همه چیز را فقط از منظر خود می‌بیند. لذا، نمی‌تواند رفتار خود را به خاطر دیگری تعدیل کند، (۲) تفکر سحرآمیز^۵، که در آن وقوع همزمان دو پدیده به علت و معلول بودن آن‌ها تعبیر می‌شود؛ مثلاً، بداندیشی، حادثه به وجود می‌آورد و (۳) تفکر زنده‌پنداری^۶، یعنی تصور می‌کند که تمام اشیاء زنده (جاندار) هستند.

به نظر پیازه، کودک با سازمان‌دادن فعالانه و تفسیر تجربه‌هایش از طریق اعمال ذهنی عالی‌تر، خود را با محیط سازش می‌دهد (فصل ۸).

پیاژه چهار دورهٔ مجزا از هم را شرح داده است که به توانایی تفکر به فرم بزرگسالان منتهی می‌شود. تمام کودکان، در سنین تقریباً یکسانی از این چهار دوره عبور می‌کنند. وجود هر دوره برای رسیدن به دورهٔ بعدی الزامی است.

۱ - دورهٔ حسی - حرکتی^۱ (تولد تا حدود ۲ سالگی):

علت استفاده از اصطلاح 'حسی - حرکتی' برای توصیف این دوره، این است که نوزاد، ابتدا از طریق مشاهدهٔ حسی، یادگیری را آغاز می‌کند و از طریق فعالیت، جست و جو و دست‌کاری محیط، کنترل اعمال حرکتی خود را به دست می‌آورد.

یکی از دستاوردهای مهم این دوره، پیدایش احساس بقاء شیء^۲ است. بقاء شیء یعنی، توانایی فهم این که اشیاء، هنوز هم وجود دارند؛ هرچند که در مقابل چشمان کودک نباشند. مثلاً، اگر یک اسباب‌بازی را به نوزاد سه یا چهار ماهه نشان بدهید، سپس در جلوی چشمان او آن را زیر پتو قرار دهید، نوزاد دنبال آن نمی‌گردد، انگار که آن اسباب‌بازی هرگز وجود نداشته است. در حالی که اگر نوزاد در سنین بالاتر باشد (۱۰ تا ۱۲ ماهگی)، به جست و جوی اسباب‌بازی می‌پردازد و آن را

1- Sensori-motor
3- Preoperational
5- Magical Thinking

2- Object Permanence
4- Ego-Centric
6- Animistic Thinking



تنظیم رفتار خود بر حسب آن ارزش‌ها، بخش مهمی از رشد شخصیت است. استدلال درباره مسائل اخلاقی با افزایش سن تغییر می‌کند؛ مثلاً، استنباط کودک از این که آسیب رساندن عمدی به دیگران، چه تفاوتی با آسیب رساندن سهوی دارد، به تدریج تغییر می‌کند. اگر از کودکی که در دوره پیش‌عملیاتی پیازه قرار دارد، سؤال شود، کسی که عمداً یک بشقاب را می‌شکند، مقصر است یا کسی که ده بشقاب را بدون قصد می‌شکند؟ کودک، دومی را مقصر خواهد دانست. چون بشقاب‌های بیشتری را شکسته است.

لارنس کلبِرگ^۱ فرآیند رشد اخلاقی را مورد مطالعه قرار داد. او داستان‌هایی را به کودکان و بزرگسالان در سنین مختلف و زمینه‌های فرهنگی گوناگون، عرضه کرد و استدلال‌های اخلاقی آن‌ها را در سه سطح که هر سطح دو مرحله است، قرار داد.

سطح اول: اخلاق ماقبل مرسوم یا پیش‌عرفی (تا ۱۰ سالگی):

مرحله ۱ - متوجه کیفر: کودک از قوانین پیروی می‌کند تا تنبیه نشود.

مرحله ۲ - متوجه پاداش: کودک برای گرفتن پاداش و نظر مساعد دیگران، قوانین را رعایت می‌کند.

سطح دوم: اخلاق مرسوم یا عرفی (۱۰ تا ۱۳ یا ۱۴ سالگی):

مرحله ۳ - خوب بودن: قوانین را رعایت می‌کند به منظور اجتناب از عدم تأیید دیگران.

مرحله ۴ - احترام به قدرت: قوانین را رعایت می‌کند، تا از قضاوت بد مقامات و احساس گناه و توبیخ شدن توسط مراجع قدرت، در امان بماند، نه برای آن که وظیفه خود را انجام دهد.

سطح سوم: اخلاق مابعد مرسوم یا فراعرفی (۱۳ یا ۱۴ سالگی تا بزرگسالی):

مرحله ۵ - توجه به قراردادهای اجتماعی: اصول و مقررات را رعایت می‌کند تا احترام همگان و در نتیجه احترام به نفس را به دست آورد.

۳ - دوره عملیات عینی^۱ (سنین ۷ تا ۱۱ سالگی): در طی این دوره، بسیاری از مهارت‌های فکری مهم پدیدار می‌شود. یکی از مهارت‌ها، توانایی انجام عملیات، مانند: حساب کردن، درک روابط بین طبقات و مجموعه‌ها، اندازه‌گیری و درک ساخت‌های سلسله‌مراتبی است. در این دوره تفکر خودمحوری از بین می‌رود و کودک می‌تواند، دنیا را از دیدگاه دیگران نیز نظاره کند. او می‌تواند، اشیاء را بر حسب خصوصیات مشترک آن‌ها، طبقه‌بندی کند. استدلال قیاسی شکل می‌گیرد؛ یعنی، می‌تواند از مجموع دو خصوصیت، نتیجه‌گیری منطقی داشته باشد. مثلاً، تمام اسب‌ها پستاندار هستند، تمام پستانداران خون‌گرم هستند، پس تمام اسب‌ها خون‌گرم هستند.

مفاهیم نگه‌داری ذهنی و بازگشت‌پذیری نیز در این دوره شکل می‌گیرند. در نگه‌داری ذهنی، کودک توانایی درک آن را دارد که هرچند ممکن است، شکل و فرم اشیاء تغییر کند، اما ویژگی‌های فیزیکی (مانند حجم) آن ثابت می‌ماند؛ مثلاً، دو گلوله خمیر مساوی اگر یکی صاف شود، باز هم مقدار هر دو ثابت است.

در مفهوم بازگشت‌پذیری نیز کودک می‌فهمد که یک شیء قابل تبدیل به شیء دیگر است و مجدداً به حالت اول برمی‌گردد. مثل تبدیل آب به یخ و یخ به آب. بازگشت‌پذیری، یعنی توانایی این که کودک به طور ذهنی "عمل عکس" را انجام دهد.

۴ - دوره عملیات صوری^۲ (۱۱ سالگی تا آخر نوجوانی): آخرین دوره رشد شناختی، عملیات صوری است. این دوره با توانایی نوجوان برای تفکر انتزاعی، استدلال قیاسی (اگر حسن بزرگ‌تر از مرتضی و مرتضی بزرگ‌تر از تقی است، پس حسن بزرگ‌تر از تقی می‌باشد) و تفکر فرضی (چه پیش می‌آید اگر...؟)، مشخص می‌شود. همه نوجوانان و حتی بزرگسالان، به طور کامل به مرحله عملیات صوری نمی‌رسند. بسته به استعداد فردی، ممکن است، بعضی از آن‌ها هرگز به این دوره نرسند و سراسر عمر در دوره عملیات عینی باقی بمانند.

د رشد اخلاقی

فهم ارزش‌هایی که در جامعه بر رفتار فرد حاکم است و

1- Concrete Operational

2- Formal Operational

3- L.Kohlberg